

تشکیل شده بود، اما مهمترین انجمن ادبی آذربایجان در آن سالها (۱۳۱۲) انجمنی بود که زیر نظر آدیب السلطنه سمیمی استاندار وقت آذربایجان و در منزل ایشان تشکیل می شد. در این انجمن آقایان: اسماعیل امیرخیزی، یحیی آرین پور، دکتر رعدی، حاج محمد نخجوانی، حسین امید، مهدی نسودی، احمد سعیدی، مستخب خلخاللی، مشکوه وقایعی، سید هاشم فیاضی، ناصر روانی و ... شرکت داشتند. این انجمن نیز با انتقال سمیمی به تهران، خاتمه یافته تلقی شد.

در سال ۱۳۳۶، در برخی از مدارس متوسط تبریز انجمنهای ادبی قابل اعتنایی تشکیل شد. انجمن ادبی دبیرستان فردوسی، از جمله ای این انجمنها بود که آقای حسین احمدی آن را اداره می کرد و ظاهراً آقای دهقان استاندار وقت آذربایجان نیز توجه خاصی به انتشار فصلنامه ای این انجمن داشته است. طبیعی است که این انجمن نیز چونان اسلاف خود با تغییر رئیس یا مسئولی به کار خود پایان داده است.

خبر مهمی که در سال ۱۳۴۵ ه.ش در شماره دهم نشریه کتابخانه ملی تبریز درج شد نقطه عطفی در تأسیس انجمنهای ادبی شهرستان تبریز بود. این نشریه آغاز به کار انجمن ادبی تبریز را به همت آقای مرتضوی برازجانی مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان به اطلاع علاقمندان رساند.

در این انجمن که عصر روزهای چهارشنبه هر هفته در منزل مرتضوی تشکیل می شد، نخست چند مساله ادبی مطرح می گردید و آنگاه قرائت اشعار تازه آغاز می شد. بنابر اسناد باقیمانده از آن دوران یکبار رستم علی اف ایران شناس معروف نیز مهمان این انجمن شده بود و یک شعر ترکی قرائت کرده بود که آقای دکتر منوچهر مرتضوی هم با بیان شیوا آن را در انجمن به زبان فارسی ترجمه کرده بود، ترجمه ای که تحسین شاعر را نیز برانگیخته بود.

این انجمن در سال ۱۳۴۷ نشریه ای بنام گرمغان منتشر ساخت. در این نشریه اشعاری از استاد محمدحسین شهریار، محمد آغاسی، محمود پدیده،

علی حریرچی، عزیز دولت آبادی، یحیی شیدا، علی نظمی، دکتر منوچهر مرتضوی و ... به چشم می خورد. شعر معروف (حافظ، خداحافظ) با خط استاد شهریار با مطلع:

به تودیع تو جان می خواهد از تن شد جدا حافظ  
به جان کندن وداعت می کنم حافظ، خداحافظ  
که امضاء فروردین ماه ۱۳۴۷ را دارد اولین شعر این دفتر است. شهریار در این سالها ستاره تابناک آسمان ادب معاصر فارسی و ترکی حتی در خارج از مرزهای ایران شده بود.

سی و هفت سال پیش از آن تاریخ، دیوان فارسیش با مقدمه ای ملک الشعراء بهار، سعید نفیسی و پژمان بختیاری به چاپ رسیده بود و حیدربابایش از پانزده سال پیش از آن تاریخ، تحوکی در شعر ترکی جهان بوجود آورده بود. از این جهت نه تنها در داخل کشور، چند محفل فرهنگی تهران در سال ۱۳۴۶ از ایشان تجلیل به عمل آوردند و نه تنها اعطای درجه ای استادی افتخاری دانشگاه تبریز به استاد، تصویب شده بود بلکه در سطح بین المللی، روابط فرهنگی ایران و ترکیه مقدمات تجلیل از شهریار را تدارک می دیدند. همچنین پروفیسور محرم ارگین در ترکیه یادداشتهای خود را در باب کتاب "حیدربابایه سلام" به عنوان معتبرترین سند زبان ترکی مورد ارزیابی و برای چاپ آماده می نمود. کسانی به فکر ترجمه آثار شهریار به زبان فرانسه افتاده بودند و شاعران و نویسندگان داخلی و خارجی پیشماری همچون رستم علی اف ایران شناس شوروی آن زمان رسول حمزه اتوف شاعر داغستانی، اشتیاق دیدار شاعر نامدار تبریز را در سر می پروراندند با این اوصاف طبیعی بود که شهریار فرصت حضور در این نوع انجمنها را نداشته باشد اما تأثیر شخصیت و اشعار او به حدی بود که انجمن ادبی تبریز از همان آغاز به نام "انجمن ادبی شهریار" معروف شد.

شهریار از این انجمن در دو جا به نیکی یاد کرده است. اوکی در سال ۱۳۱۵ هنگامی که ریاست دومین کنگره سراسری شعر ایران را عهده دار بود، منظومه ای

بلندی خواند و در بندی از آن شاعران مطرح آن انجمن را برشمرد.

کسان که انجمن شهریار را دارند  
کنون نظامت شعر و شعار را دارند  
یکی که وزنه ی کار است و کوشش و اقدام  
(حریرچی) است به نام و تخلصش (بی نام)  
دو آذرند هنرور قریبه با آذر  
چنان که (نظمی) و (هاتف) قریبه با "مظهر"  
دگر (بیم) پدر شاعر و پسر شاعر  
وراثی چه به از شعر اگر پدر شاعر  
(امینی) است و (جنابی)، پدیده و "شیدا"  
چو (دادمهر) و (وثوقی)، (صمیمی) و (دیبا)  
دو دیگر (اشرف) و (فاخر) که سخت اهل دلند  
چنان که (بارز) و (گوهر) که باز مشتعلند  
چنان که (افسر) و (ملماسی) و (حسین صفا)  
بجل که حافظه را بیش از این نبود وفا  
در این زمینه زیادند گر که نام برم  
سخن کشد به درازا و من ملال شوم

دومین یادی که شهریار از این انجمن ادبی می کند در نامه ای است که خطاب به شاعر معاصر آقای یحیی شیدا نوشته است. در این نامه آمده است: "آنها... که انجمنان دایر است و گاهی هم دور هم جمع می شوید که هر چه باشد باز مغتنم است... اگر برای دوستان ممکن بود از یکشب انجمن که همه تان حرف زده و شعری خوانده باشید، نواری پر کرده و برای من بفرستید که گاهی غم تنهایی را بدان تسکین دهم." ۴

مرحوم شهریار در تقریرات حضوری خویش با حقیر نیز چندین بار از نقش سازنده ای این انجمنها سخن گفته است.

باری، انجمن ادبی شهریار که پس از مرتضوی برازجانی مدتی نیز آقای دولتشاهی آنرا سرپرستی کرده اند، پس از انقلاب اسلامی با هیئت امنائی متشکل از آقایان دولت آبادی، شیدا، عابد، نظمی و سلطان آبادی اداره می شد.

اکنون پس از وقفه ای بار دیگر جلسات انجمن با حضور اینجانب از سر گرفته شده است. محل استقرار فعلی انجمن مجتمع فرهنگی هنری تبریز می باشد که در روزهای یکشنبه و سه شنبه هر هفته از ساعت ۴ الی ۶ بعد از ظهر ضمن نقد و بررسی آثار ارائه شده و تفسیر اشعار حافظ از دیدگاه شهریار، دو مورد دیگر را نیز رأس برنامه های خود قرار داده است.

الف - انتشار نشریه انجمن ادبی (ارمغان)  
ب - کوشش برای بزرگداشت پیشکسوتان ادبی و فرهنگی آذربایجان

ابوالفضل علیمحمدی  
نقل از شماره ۱ ارمغان

- ۱- ارمغان انجمن ادبی تبریز، چاپ ۱۳۴۷.
- نشریه انجمن ادبی دبیرستان فردوسی چاپ ۱۳۳۶
- تاریخ فرهنگ آذربایجان، حسین امید، چاپ ۱۳۳۴
- نشریه کتابخانه ملی تبریز، شماره ۱۰ و ۱۱، چاپ ۱۳۴۵.
- ۲- روضه اطهار، ملا محمد امین حشری تبریزی. تصحیح عزیز دولت آبادی
- ۳- سفرنامه ناصر خسرو
- ۴- به همین سادگی و زیبایی، جمشید علیزاده

انجمن ادبی شهریار - تبریز ۱۳۵۰  
از چپ به راست: ... شیوا - سلماسی - حریرچی - امینی - نظمی - دادمهر - آذر - شهریار - محقق - دولت شاهی - نسیم شمال - آغاسی - جنابی - شیدا - ... شاطر علی

